

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در آیه ۱۰۴ خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» نشان می دهد که از اینجا به بعد روی سخن به مومنان است، هر چند جلوتر بنی اسرائیل مخاطب قرار می گیرند، آیه ۱۰۴ به بعد، ما وارد سیر مباحث مربوط به تغییر قبله می شویم، البته در آیه ۱۰۴ تا چندین آیه مباحث مقدماتی مسئله تغییر قبله است. تغییر قبله تحول بزرگی است در اتفاقات صدر اسلام، همانند هجرت از مکه به مدینه که یک تحول عظیم بود و چه بسیار سوره‌های قرآن بحث هجرت را پوشش دادند، خیلی ها در جریان هجرت ریختند. تغییر قبله هم با ریزش هایی همراه بوده است، با فرمان تغییر قبله مسلمان‌ها از قبله‌ای که ادیان توحیدی قبلی به آن سمت بودند رویگردان شدند، در این حادثه از یک طرف زبان اهل کتاب باز می شود، که شما که می گفتید ما دین توحیدی هستیم، از یک طرف زبان مشرکان باز می شود که برگشتید به این سمت؟ جامعه با یک فشار اجتماعی، فکری، فرهنگی جدی روبرو است. اینجا چه اتفاقاتی می افتد، تغییر قبله مصادف است با یک اراده تکوینی. یعنی خداوند اراده کرد و قبله را تغییر داد.

ای کسانی که ایمان آوردید، «لَا تَقُولُوا رَاعِنَا» نگوید «رَاعِنَا»، راع فعل امر، مصدرش مراعات است، «رَاعِنَا» یعنی رعایت کن ما را، این جمله را خطاب به پیامبر گرامی اسلام می گفتند، مومنان به حضرت می گفتند «رَاعِنَا»، ما را رعایت کن، می فرماید نگوید «رَاعِنَا»، بگوید «أَنْظُرْنَا» به ما نظر کن، «أَنْظُرْنَا» یعنی به ما نظر کن، «وَأَسْمَعُوا» و بشنوید، یعنی پیامبر سخنی که می فرماید حرفی که می فرماید، شما گوش بدهید، همراه بشوید، «وَأَسْمَعُوا» «وَالْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» و برای کافران عذابی دردناک است، قبل از اینکه من بخواهم راجع به «رَاعِنَا» و «أَنْظُرْنَا» صحبت بکنم، توجه تان را جلب می کنم به «وَالْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» یعنی مسئله ای است که اگر شما گوش ندهی، همراه نشوی، کافر می شوی، بعضی ها این آیات را اینطور تحلیل کردند، گفتند که «رَاعِنَا» یک کلمه ای بوده است در زبان یهودی ها معنی بدی داشته است، و مومنان می گفتند «رَاعِنَا»، آنها سوء استفاده می کردند از این کلمه، خدا هم حساس شده است که «رَاعِنَا» نگوید، بگوید «أَنْظُرْنَا» که آنها سوء استفاده نکنند، دیگر «وَالْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» چیست؟ باید گفت «رَاعِنَا» و «أَنْظُرْنَا» صرفاً تفاوت تعبیر نیست، در «رَاعِنَا» مردمی دارند به رهبر الهی خودشان می گویند، آقا یواش، رعایت حال ما را هم بکن شما برای خودت هدف گذاری می کنی، برای خودت چشم انداز تعریف می کنی، گازش را می گیری می روی، این فرهنگ «رَاعِنَا» است، یعنی تو باید به خاطر ما ترمز کنی، اما در «أَنْظُرْنَا» به ما نظر کن، به خصوص وقتی این «أَسْمَعُوا» دارد، یعنی مصلحت ما را در نظر بگیر، یعنی منافع حقیقی ما را، نه اینکه حال ما را، نه اینکه وضع موجود ما را، «أَنْظُرْنَا» منافع حقیقی ما را در نظر بگیر، هر چی گفتی دیگر به روی چشم، می گوید شما اگر می خواهی حرفی بزنی به پیامبر، بگوید «أَنْظُرْنَا»، بعد هم هر چی پیامبر گفت «وَأَسْمَعُوا» این دو تا فرهنگ است، یکی فرهنگ کافران است و یکی فرهنگ مومنان «أَنْظُرْنَا». در پرانتز می گویم، رهبر الهی یک جامعه ای داد می زند آقا این کار به نفعتان نیست، بعد یک تعدادی، یک عده ای در یک ملتی پیدا می شوند که می گویند نه آقا این می گوید ولی آنها می گویند به نفع تان است، با آنها همراه می شوند، سیلی می خورند، کتک می خورند، آسیب می بینند، آبرویشان می رود، عزتشان می رود، همه این اتفاقات می افتد، باز هم از خواب غفلت

بیدار نمی شوند، می دانید چرا؟ چون که خودش را به خواب زده اند، می گوید کسی که خوابیده باشد می شود بیدارش کرد، هر وقت می خواهی ببینی بچه خوابیده یا خودش را به خواب زده است، اگر بیدار شد بدان خواب بود، اگر بیدار نشد بدان خودش را به خواب زده است، می بینید در ماشین شب ها، بچه ها می خوابند که دیگر زحمت راه رفتن به خودشان ندهند، بابا پا شو، تکان می دهی، این خواب است، کجا خواب است، بیدار است و نباید پا شود، چون به نفعش نیست، بعضی ها حالشان این است، نباید بیدار شوند، خواب هستند و نباید بیدار شوند و الا اگر بیدار شدنی بود، کم چک نخوردید، آقا، کم لگد نخوردی، دیگر چی می خواهی آخر، چی می خواهید؟ دیگر همه چیز را خراب کرد، برگشته می گوید بله اگر شما دوباره به میز مذاکره برگردی، ما هم بر می گردیم.

بعد می فرماید: «مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ» دوست ندارند کافران از اهل کتاب، همان هایی که کلی تلاش کردیم اینها مومن بشوند و نشدند، اینها دوست ندارند، چه اینکه مشرکان هم دوست ندارند، که «أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ» از جانب پروردگار شما خیری بر شما نازل بشود، نه کافران اهل کتاب دوست دارند و نه مشرکان. این در حالی است که «وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ» این در حالی است که خدا مخصوص می دارد به رحمت خود، هر کس را که بخواهد، یعنی به آنها نیست که دوست داشته باشند یا نداشته باشند، خدا بخواهد خیر برساند، چه کسی است که بتواند جلوی او را بگیرد، این آیه به ضمیمه آیه قبلی که این هم ذیل «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» قرار می گیرد، یک نکته را اضافه می کند، و آن اینکه اگر مومنان دارند به پیامبر می گویند «رَاعِنَا»، تحت فشار و تاثیر کافران اهل کتاب و مشرکان، دارند می گویند، کافران اهل کتاب و مشرکان بو بردند، فهمیدند که پیامبر دارد مومنان را سوق می دهد به سمتی که برایشان خیر است، و اینها دوست ندارند این اتفاق برای مومنان بیفتد، نمی خواهند مومنان با پیامبر همراهی کنند و به آن خیر مورد نظر برسند، لذا برنامه ای را ترتیب دادند که مومنان را از همراهی با پیامبر در این مسئله باز بدارند، خدا می فرماید، شما عملاً با این تاثیری که از آنها می پذیرید، خودتان را از خیری محروم می کنید، اینها دوست ندارند به شما خیر برسد. از اینها تاثیر نپذیرید، چقدر قرآن سرمایه گذاشته است که ما از کافران و مشرکان تاثیر نپذیریم، آنها را باور نکنیم، و تحت تاثیر آنها رهبر الهی خود را نگاه نداریم.

خدا از یک سنت خودش خبر می دهد، «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ»، «أَوْ نُنسِئَهَا» «نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» اگر من خدا یک آیه ای را بنا به مصلحتی نسخ کنم، یا آیه ای را انشاء کنم، بنا به مصلحتی، حتماً بهتر از آن را یا دست کم مثل آن را می آورم، جایش را خالی نمی گذارم. این سنت من است، «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» آیا ندانستی که خداوند بر همه چیز قدرت دارد؟ این آیه موضوع را معلوم می کند، مومنان میدانید چرا از خودشان دارند کندی نشان می دهند؟ می دانید چرا دارند میل نشان میدهند که حرف اهل کتاب و مشرکین را گوش بدهند و با پیامبر همراهی نکنند؟ چون یک آیه ای نسخ شده است، یا در شرف نسخ شدن است، یک آیه ای در شرف انشاء است و این اهل کتاب دروغگو، این کافرانشان، این مشرکان که یک روده راست در شکمشان نیست، اینها دارند تلاش می کنند به مومنان بگویند: پیغمبر دارد شما را از یک خیری محروم می کند، «نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا» چون آن آیه خودش خیر بوده است، که خدا می فرماید «نَأْتِ بِخَيْرٍ» این خیر را با خیر آیه قبلی که فرمود «مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ» با آن با هم ببینید. اینها دارند به مومنان می گویند، این پیامبرتان شما را دارد از یک خیری محروم می کند، این خیر است، خودشان هم می دانند که این رهبر الهی به خیر بالاتر اینها را سوق می دهد ولی برای اینکه این مردم را نگاه دارند به آن خیر بالاتر نرسند، دارند آنها را متوقف می کنند با این بیانات، خدا

می‌فرماید سنت من خدا این است، من بر اساس این سنت است که می‌گویم به پیامبر بگویند «رَاعِنَا» و بعد بگویند «انظُرْنَا» و هر چی گفت گوش بدهید، روی این اساس است که من اگر یک آیه ای را هم ولو خیر باشد، یک آیه را نسخ کنم یا انشاء کنم، حتماً مثل آن را یا بهتر از آن را جایگزین می‌کنم، به من اعتماد کنید.

در این سیاق به طور کلی، دو مخاطب وجود دارد، یکی مومنان، یکی پیامبر، این «أَلَمْ تَعْلَمْ» مفرد است، در این آیه چرا پیامبر مخاطب است؟ چون بالاخره وقتی مومنان آن حالت سنگینی را پیدا می‌کنند، می‌خواهند حضرت را نگاه دارند، حضرت هم در فشار قرار می‌گیرد، احتیاج به تثبیت قلب از جانب خدا دارد، خدا باید یک بار به مومنان بگوید بابا همراهی کنید، یک بار به پیامبر بگوید از همراهی نکردن اینها نگران نباشی، حالا می‌رسد در همین سیاق «وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ» که سیاق بسیار راهبردی است در سوره مبارکه فسطاط، نگران نباشی، خدا اطمینان قلب به حضرت می‌دهد، آیا ندانستی که ملک آسمان‌ها و زمین از آن خداست، «وَمَا لَكُمْ» ببین «أَلَمْ تَعْلَمْ» مفرد «وَمَا لَكُمْ» دو مرتبه جمع، یعنی باز هم رو کرد به مومنین، «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» شما به جز خدا ولی و نصیری ندارید، شما سرپرست بودن و یاور بودن خدا را معامله می‌کنید.

«أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ» آیا شما می‌خواهید با فرهنگ «رَاعِنَا» که فرهنگ بنی اسرائیل در مقابل موسی علیه السلام در گذشته بوده است، حرکت بکنید؟ فکر نکنید حالا ما گفتیم «رَاعِنَا»، کافر که نشدید، نمازهای مان را می‌خوانیم، نه این جور نیست، «وَمَنْ يَتَّبِعْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ» هر کس که کفر را با ایمان جانشین کند، «فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» قطعاً از راه مستقیم، از راه معتدل و صحیح گمراه شده است. «سَوَاءَ السَّبِيلِ» سیل معتدل، اعتدال پیروی از ولی الهی است، پیروی از چشم اندازهای الهی است، دنبال پیامبر راه افتادن است، غش کردن یک روز به سمت آمریکا، یک روز به سمت اروپا، اسمش اعتدال نیست، این «ضَلَّ..» است اتفاقاً، این گمراهی از راه معتدل است.

پیام «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا» این است که یعنی جا دارد که با آنها بجنگید اما یک نکته مهم اینکه این آیه در آستانه مباحث مربوط به تغییر قبله است و «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ» تغییر قبله یک تحولی است که باید به شکل نرم در جامعه جا بیفتد. با درگیری های نظامی، فرایند تغییر قبله درست به جای خود نمی‌نشیند، این باید نرم اتفاق بیفتد «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا» ای بسا اگر بحث اقتدار هم بود باز اینجا جای استفاده از آن اقتدار نبود، من فعلاً نمی‌خواهم جنگ راه بیفتد ولی از درون خود را بسازید؛ «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...» نماز را به پا دارید، زکات را به جای خودش برسانید. «وَمَا تَقَدَّمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ» و هر آنچه که از خیر، خیر یعنی تمام اعمال خوب، برای خودتان پیش بفرستید به عالم بالا به درگاه الهی «تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» آنرا نزد خدا می‌یابید، گم نمی‌شود! به هر دستاویزی متمسک می‌شوند تا شما را از دین و ایمانتان باز بدارند اگر فعلاً وقت قتال سخت با آنها نیست، پس بگو باید شما به طور جد به مساله اقامه نماز و ایتاء زکات و ترویج خیرات در جامعه‌یتان اهتمام بورزید و إلا اگر از همین هم غافل شدید، قتال که فعلاً شرایطش نبوده، از این هم غافل شوید چه اتفاقی می‌افتد؟ کی پیروز می‌شود؟ عملاً پیروز می‌شود. یعنی خودباختگی درونی رقم می‌خورد! باید می‌جنگیدیم با آنها، حالا نشده بجنگیم، وقتش نبوده بجنگیم نباید بگذاریم از درون تهی شویم. فرهنگ اقامه نماز، فرهنگ ایتاء زکات، فرهنگ ترویج خیرات.

می‌گویند: « وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ .. » آن جنت موعود، کسی داخلش نمی‌شود إلا اینکه یهودی باشد یا مسیحی. به ما می‌گویند: اتفاقاً همان آخرتی که شما از آن دم می‌زنید و به خاطرش با ما می‌جنگید و درافتادید و یکی نمی‌شوید، آن هم مال ماست! « تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ » این آرزوهای پوچشان است. بگو اگر مدعی هستی با دلیل ثابت کنی.

« بَلَى » خدا می‌فرماید قاعده اینست « مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ » هر کس وجه خود را تسلیم خدا کند، این وجه کد قبله است غیر از « مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ » وجه هم، کد قبله است با وجه کار داریم « فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ » « تَوَلَّوْا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ » بحثهای بعدی که می‌رسد. « مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ » هر کس وجه خود را تسلیم خدا کند، یعنی فقط دنبال جلب نظر خدا بودن همین.

اگر همه را گفتی « لا اله »، بعد گفتی خدایا تو از من خوست بیاید، این می‌شود: « أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ » تسلیم خدا؛ « وَهُوَ مُحْسِنٌ » ظهور تسلیم خدا بودن در احسان، نیک بودن و نیکی رساندن است.

« وَقَالَتِ الْيَهُودُ » خدا استدلال می‌آورد، شما که برهان ندارید حالا بگذارید من برهان بیاورم ثابت کنم دروغ می‌گویید؛ جدلی است ولی دارد ثابت می‌کند، جدلی نه برهانی.

می‌فرماید ببین خودشان حالا با هم « وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ » همین‌هایی که الان همه با هم به آنها می‌گوییم کافران اهل کتاب، یک گروه‌شان یهود هستند که می‌گویند نصارا به درد نمی‌خورد، مسیحی به درد نمی‌خورد، مسیحی را قبول ندارند؛ « وَقَالَتِ النَّصَارَى »: یک گروه مسیحی هستند، نصارا هستند که می‌گویند: « لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ » می‌گویند یهود به درد نمی‌خورد؛ جفتشان هم دارند یک کتاب می‌خوانند: « وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ » این کتاب همان کتاب واحدی است که به حضرت موسی علیه السلام نازل شد، مسیحی هم کتابش تورات هست، علاوه بر تورات انجیل دارد، مسیحی تورات را نمی‌گذارد کنار، یهودی می‌گوید تورات، مسیحی می‌گوید تورات و انجیل، « وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ » هر دو دارند یک کتاب می‌خوانند این می‌گوید آنها به درد نمی‌خورند، آن می‌گوید اینها به درد نمی‌خورند! چطور حالا جفتشان به هم می‌گویند تا یهودی و نصرانی نباشید بهشت نمی‌روید؟! بعد خدا می‌فرماید: « كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ » همینطوری دارند حرف می‌زنند کسانی که نمی‌دانند، آن کسانی که نمی‌دانند اینگونه می‌گویند شبیه سخن آنها را، این « الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ » چه کسانی هستند؟ اینها آن جریانی هستند که داخل جامعه اسلامی می‌گویند: « رَاعِنَا »، بایست، همانطوری که بنی اسرائیل به موسی می‌گفتند، می‌فرماید اینها هم شدند یک گروه سومی مثل همانها، اینها هم دارند همین حرف را می‌زنند، چطور شد که از اجتماع شما بهشتی شدن در آمد؟ این چه بهشتی است؟ « فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ » پس خدا حکم می‌کند بین آنها در روز قیامت، در آن چیزی که درباره آن با هم اختلاف کردند.